

ایستادگی و استقامت در این راه توصیه شده‌اند. (کعبی و غروی، ۱۳۸۱: ص ۱۱)

۷- «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (سوره نساء، آیه ۱۴۱): خداوند هرگز برای کافران نسبت به مومنان راه تسلطی قرار نداده است.

این آیه شریفه که اساس قاعده نفی سبیل است، هرگونه تسلط کفار بر مسلمانان را مطلقاً رد می‌کند و هر امری را که موجب آن شود مردود می‌داند. همچنین بر اساس این آیه و آیات دیگری که عزت را از آن خدا و رسول و مؤمنان می‌داند (سوره منافقون، آیه ۸)، سلطه غیرمسلمین بر ایشان و هر آنچه عزت مؤمنان و اسلام را خدشه‌دار کند نیز نفی شده است. (افتخاری، ۱۳۸۹: ص ۲۱۵) شمول این قاعده، کلی بوده و همه زمان‌ها را در بر می‌گیرد. همچنین با توجه به تشریحی بودن حکم آیه، قاعده نفی سبیل، شرایط هرگونه سلطه تکوینی و تدریجی را نیز شامل می‌شود. (نوریان و همکاران، ۱۳۸۹: صص ۱۵۱-۱۵۲)

پذیرش این قاعده به عنوان یک اصل لازم‌الاطاعه، مجموعه‌ای از محدودیت‌ها و الزامات را برای کشورهای اسلامی و حاکمان آنها در رد یا پذیرش هنجارهای بین‌المللی و نیز روابط آنها با کشورهای غیر اسلامی ایجاد می‌کند. (حیدری و انعامی علمداری، ۱۳۸۸: ص ۱۸۲)

رفتار سیاسی و عملکرد ایشان باید به گونه‌ای باشد که منجر به سلطه دفاعی یا تدریجی و خدشه‌دار شدن عزت مسلمانان نشود. (خانی، ۱۳۸۹: صص ۱۶۰-۱۶۱) لذا هرگونه تعامل با دشمنان از جمله رژیم اسرائیل، به معنی پذیرش و قبول سلطه این رژیم بر مسلمانان فلسطینی، تأیید اقدامات آنان و از بین رفتن عزت مسلمین بوده و حرام است (نوریان و همکاران، ۱۳۸۹: صص ۱۵۱-۱۵۲)

یعنی لازمه آن، پذیرش حداقل کوچک‌ترین خواسته رژیم صهیونیستی یعنی به رسمیت شناختن آن در بخشی از دارالاسلام (مثلاً مرزهای ۱۹۶۷) است و از آنجا که نتیجه آن تسلط غیرمسلمان بر مسلمان است، لذا حتی اگر تمام معاهدات بین‌المللی و سازمان ملل نیز آن را به رسمیت شناخته باشند، چون برخلاف قاعده نفی سبیل است، برای مسلمانان حرام است.

۸- «فَلَا تَطْعَمُ الْمُكْفِبِينَ» وَدَا لَوْ تَدَهَّنُ فَيَذَهُنَّ (سوره قلم، آیات ۸ و ۹): پس از منکران اطاعت مکن، خوش دارند که با آنان سازگاری کنی تا با تو سازگاری کنند. خداوند در این آیه شریفه، مسلمانان را از سازش در امور حیاتی که به جان، مال و دین مسلمین مرتبط باشد نهی می‌کند. مدهانه از ریشه «دَهَنَ» به معنای روغن و از مصدر «دَهَان» به معنای روغن مالی کردن است. در زبان عربی، این واژه، کنایه از نادیده گرفتن، نرمی کردن و روی خوش نشان دادن در موضوعی خاص است اما در حقوق اسلامی به معنای مصالحه، سازشکاری و سکوت در برابر حق است و زمانی به کار می‌رود که حقیقت و جهالمصالحه قرار می‌گیرد. (مروتی، ۱۳۸۵: صص ۶۸-۶۷)

اسلام در مقابل دارالکفری که سر جنگ با مسلمانان را نداشته باشد، همچون دارالعهد، دارالاعتزال، دارالحیاد، دارالصلح، دارالامان و دارالهدنه؛ با مدارا برخورد می‌کند ولی با دارالحرب که دین، جان، مال و سرزمین مسلمین را مورد تعرض قرار می‌دهد، حتی اگر آنان بخواهند به مسلمانان امتیازاتی هم بدهند، هیچ‌گونه سازشی ندارد. لذا تعامل با دارالحرب، مصداق مدهانه است و نه تنها حرام است، بلکه خداوند در قرآن بر لزوم برخورد شدید با کفار حربی تأکید کرده است: «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» (سوره فتح، آیه ۲۹)

■ **تعامل با رژیم صهیونیستی از نظر سنت و احادیث**

یکی دیگر از منابع حقوق اسلامی، سنت پیامبر اسلام (ص) و ائمه معصومین (ع) است. قرآن نیز بر این موضوع صراحتاً تأکید کرده است. برای مثال می‌توان به آیاتی همچون: «وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا» (سوره حشر، آیه ۷)، «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ» (سوره احزاب، آیه ۲۱) و «وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ ۗ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ» (سوره نجم، آیات ۳ و ۴) اشاره کرد. از نظر فقها نیز سنت عبارت است از گفتار و کردار و تقریرات پیامبر (ص) و ائمه معصومین (ع) (جناتی، ۱۳۶۷: ص ۳) که بر اساس آن نیز می‌توان قواعد، الزامات و محدودیت‌های کشورهای اسلامی در روابط خارجی خود را استخراج کرد.

۱- برخورد پیامبر اسلام (ص) با یهودیان مدینه: پیامبر (ص) هنگام ورود به مدینه با یهودیان این شهر از در صلح وارد شدند و با رؤسای قبایل ایشان معاهده بستند که با یکدیگر در صلح زندگی کنند و طرفین به یکدیگر آسیبی نرسانند، با دشمنان یکدیگر متحد

نشوند اما یهودیان بنی قریظه، بنی نضیر و بنی قینقاع به عناوین مختلفی همچون تعرض به نواامیس مسلمین، اقدام به ترور پیامبر (ص)، قتل مسلمانان، فعالیت‌های تبلیغاتی علیه اسلام و بالاخره همکاری و جاسوسی با کفار، عهدشکنی کردند. لذا مورد خشم پیامبر واقع شدند و ایشان دستور دادند بدون هر گونه مقاومتی از مدینه خارج شوند و در غیر این صورت با ایشان وارد جنگ خواهند شد. پیامبر (ص) جایی که دین، جان، مال و ناموس مسلمانان در خطر باشد، هیچ تعامل و سازشی را جایز نمی‌دانند. (زراقی موسوی، ۱۳۸۳: ص ۱۹).

بر اساس شرایط یاد شده از رژیم صهیونیستی و رفتار و اقدامات آن رژیم علیه مسلمانان و سرزمین‌های اسلامی، می‌توان سنت نبوی در این مورد را اجتناب از هرگونه مصالحه و تعامل با آنها معرفی کرد.

۲- حدیث قاعده اعتلا: پیامبر (ص) فرمودند «الْإِسْلَامُ يَعْلُو وَ لَا يَعْلى عَلَيْهِ» (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸: ص ۱۳۱) (اسلام برتر از همه چیز است و هیچ چیز برتر از آن نیست). در این روایت مراد از اسلام، مسلمانان و متدینان به آن است و روایت در صدد وضع یک حکم شرعی و نه خبر دادن از امری تکوینی است. لذا مفاد این حدیث دال بر آن است که در اموری که کفار با مسلمانان ارتباط پیدا می‌کنند، حکم و برتری از آن مسلمانان است. (فاضل موحدی لنگرانی، ۱۳۸۳: ص ۲۴۴) یعنی این قاعده بر برتری دارالاسلام بر دارالکفر تأکید می‌کند و بیان می‌دارد غیرمسلمانان نباید در هیچ موردی بر مسلمانان برتری یابند و اسلام نباید زیر سلطه قرار گیرد. (خانی، ۱۳۸۹: ص ۱۶۱)

سلطه رژیم صهیونیستی بر سرزمین‌های اسلامی و استعلائی آنان بر مسلمین، هرگونه تعامل یا پذیرش آن را بر اساس این قاعده رد می‌کند.

۳- پیامبر (ص) می‌فرماید: «يَهْتَمُّ الْيَهُودُ بِأَعْيُنِ الْخَلْقِ لِلْمُسْلِمِينَ» (میزان الحکمه، ح ۱۴۹۶۲) یعنی بدرستی آنها آیهودیان آفرینکارترین مردم نسبت به مسلمانان هستند. در این حدیث نبوی به مسلمانان گوشزد می‌شود نسبت به یهودیانی که پیش‌تر درباره پیمان شکنی و فریبکاری ایشان توضیح داده شد، باید بسیار با احتیاط عمل کنند. به نظر می‌رسد رژیم صهیونیستی به عنوان نماد یهود افراطی امروزی نیز شرایط حدیث نبوی را داراست، لذا مسلمین و دارالاسلام باید از آن بر حذر باشند.

۴- حضرت علی علیه‌السلام در دوران حیات‌شان در برابر برخی وقایع، حکیمانه سکوت و مدارا می‌فرمودند ولی در برابر برخی دیگر از وقایع با قاطعیت و شدت رفتار می‌کردند (سلیمانی، ۱۳۸۲: ص ۸۵) که شهید مطهری از آن با عنوان جاذبه و دافعه حضرت یاد کرده است. برای مثال ایشان در برخورد با معاویه، ابتدا مدارا کردند، لیکن وقتی مطلع شدند سربازان معاویه با حمله به مسلمانان، جان، مال و ناموس آنان را مورد تعرض قرار دادند، سکوت نکردند. ایشان می‌فرمایند: «مَنْ نَامَ عَنْ عُدُوِّهِ أَنْهَيْتَهُ الْمَكَايِدَ» (غررالحکم: ۸۶۷۲) (هر کس از دشمنش غافل شود، دسیسه‌ها او را به خود می‌آوردند). مضمون این روایت حاکی از آن است که هرگونه سکوت و تعامل با دشمن، شرعاً و عقلاً امری مضموم به شمار می‌رود.

۵- امام علی (ع) در حدیثی می‌فرمایند: «كُونَا لِلظَّالِمِ حَضَمًا وَ لِلْمُظْلَمِ عَوْنًا» (نهج‌البلاغه، نامه ۴۷) (پیوسته دشمن ظالم و یاور مظلوم باشید). لازمه قرار گرفتن در صف یاری‌دهندگان مظلومان، اعلام و اعمال برائت و مخالفت با دشمنان و ظالمان است، لذا هرگونه اقدامی در راستای پذیرش یا رضایت از رفتار ظالم، در هر سطح و مرحله‌ای، به معنای همسو شدن و همراهی با آن است. این دستور امام علیه‌السلام، محدود به حمایت لفظی و تبلیغاتی از مظلومان و اعلام برائت نیست، بلکه بسته به میزان توانمندی و شرایط دارالاسلام و مسلمانان، شامل اقدامات همه‌جانبه و عملی نیز است. حضرت علی (ع) در جایی دیگر می‌فرمایند: «صَحْبَةُ الْأَشْرَارِ تَكْسِبُ الشَّرَّ كَالرَّيحَانِ يَحْدَا مَرَّتَ بِالتَّنِّ حَمَلَتْ نِتْنًا» (غررالحکم: ح ۵۸۳۹) (دوستی با بدکاران، همچون قرار گرفتن در معرض سوسو پاییزی که خشک‌کننده و نابودکننده است، بدی را به همراه می‌آورد و موجب گرایش به آن است). در غررالحکم نیز حضرت (حکمت ۵۸۶۸) دوستی با اشرار را موجب بدبین شدن به نیکوکاران می‌دانند. امام سجاده (ع) نیز در حدیث «يَا كَمِ وَصْحَبِهِ الْعَاصِينَ وَ مَعُوْبَةَ الظَّالِمِينَ» (الطریحی، ۱۴۱۶: ص ۱۸۴) مهر تأییدی بر این امر می‌زنند. امام صادق (ع) هم در این باره می‌فرمایند: «لا تعنه علی بناء مسجد» (ربانی، ۱۳۸۹: ص ۹۷) (به آنان اظالمین [حتی در ساخت مسجد نیز کمک نکنید]. شروع تعامل با دشمن، حتی اگر در امر خیر یا مباحی باشد، بتدریج موجب همراهی

با ایشان می‌شود. احادیث دیگری نیز در تأیید این امر وجود دارد که به مواردی از آنها می‌پردازیم: «من مشى إلى ظالم ليعينه وهو يعلم أنه ظالم فقد خرج من الإسلام» (فرج الله، ۱۹۹۸: ص ۱۸۷) یا «العامل بالظلم، والمُعِين لَهُ، والراضى بِهِ شَرَّكَاءُ ثَلَاثَتَهُمْ» (الطریحی، ۱۴۱۶: ص ۱۸۴). این روایات تبیین‌کننده حرمت تعامل با رژیم صهیونیستی در هر سطحی ولو در موضوعات ظاهراً مفید یا بی‌ضرر است.

### ■ تعامل با رژیم صهیونیستی از نظر اجماع

واژه اجماع از نظر لغوی به معنای جمع شدن، اتفاق نظر، هم‌آرایی و همدلی در موضوعی است. این اصطلاح در بین علمای علم اصول، از نظر شرایط حجیت، دارای معانی مختلفی است ولی عموماً در این معنی که «به اتفاق نظر و هم‌آرایی در حکمی از احکام شرعی» گفته می‌شود، مشترک است. لازم به ذکر است که اجماع، روشی برای کشف سنت پیامبر (ص) و ائمه معصومین (ع) است و به دلیل همین کشفی بودن، به لحاظ حقوق اسلامی نیز معتبر بوده و اگر مبنای این کشف، سنت نباشد، معتبر نخواهد بود، اگر چه اجماع‌کننده بر آن موضوع زیاد باشد. (ر. ک. : جناتی، ۱۳۶۷)

هر چند اجماع در اعداد دلایل حجیت فتوا در حقوق اسلامی است اما برخی از انواع اجماع از اهمیت بیشتری برخوردار است. اجماع بر نهی هرگونه تعامل با رژیم صهیونیستی از نوع اجماع بسیط، محصل و مدرکی است که در تقویت یقین حکم موثر است.

درباره دارالحرب بودن رژیم صهیونیستی و حرمت تعامل با آن، اجماعی بین علما وجود دارد و اگر از برخی ایشان در مواردی حکمی وجود ندارد، بدان معنا نیست که ایشان با این نظر مخالفند، بلکه حاکی از آن است که از نظر ایشان موضوع به قدری روشن است که نیازی به حکم ندارد یا سکوت در برابر حکم دیگران را می‌توان تأییدی بر آن دانست. در اینجا چند نمونه از فتاوی علمای بزرگ را که در برخی مباحث دیگر، اختلاف نظر علمی دارند ولی در این موضوع نظر واحدی دارند، ذکر می‌کنیم.

آیت‌الله شیخ محمدحسین کاشف‌الغطاره (ره) (۱۸۷۶-۱۹۵۴) که در سال‌های اولیه تأسیس رژیم صهیونیستی مرجعیت شیعیان را در نجف بر عهده داشت، در حکمی معروف اینگونه بیان می‌دارد: «هر کس می‌تواند شخصاً به مجاهدان فلسطین ملحق شود، باید به آنان بپیوندد و من اطمینان می‌دهم او در ردیف مجاهدان بدر در کنار پیامبر (ص) است و هر کس نیز نمی‌تواند ملحق شود، باید آنان را با مال خویش کمک کند و هر کس که نسبت به هیچ‌یک از اینها توانایی ندارد، بر او واجب است با زبان و قلم و تلاش تا سر حد امکان، کوشش و مساعدت کند و این کمترین مرتبه این تکلیف الهی است.» (ورعی، ۱۳۸۲: ص ۶۸)

آیت‌الله العظمی سیدحسین بروجردی (ره) (۱۸۶۱-۱۹۷۵) مرجع بزرگ شیعیان که عموماً در مسائل سیاسی ورود نمی‌کرد، به دلیل اهمیت موضوع بیانیه‌ای را با این مضمون صادر کرد: «خدایا از تو یاری مسلمانان را می‌خواهیم، دشمنان آنان را ذلیل و خوار برادر و از برادران مسلمان ایران و سایر ممالک، انتظار داریم مجتمع شوند و در حق یهود نفرین کنند و در حق برادران مسلمان ما دعا کنند تا در این میدان جنگ، فاتح و پیروز شوند.» (امینی، ۱۳۸۵: ص ۷۱).

آیت‌الله شیخ بهاءالدین محلاتی (ره) (۱۸۸۱-۱۹۹۶) یکی از علمای بزرگ ایران نیز در حکمی دیگر بیان می‌دارد: «بر همه مسلمانان جهان واجب است از هرگونه مساعدت مادی و معنوی نسبت به اعراب مسلمان دریغ ندارند و هر نوع معامله و ارتباطی که منشأ تقویت رژیم صهیونیستی شود یا در آمادگی آنها برای مبارزه و پیکار با کشورهای عربی دخالت داشته باشد، حرام و در حکم مبارزه با اسلام است.» (ورعی، ۱۳۸۲: ص ۶۹)

آیت‌الله سیدمحسن حکیم (ره) (۱۸۷۰-۱۹۸۹) که از مراجع بزرگ شیعه در نجف بود نیز حکمی را با این عنوان صادر کرد: «اکنون که جهاد مسلمانان با یهودیان صهیونیست شروع شده است، همدستی کافی و کامل باید بکنند و به دشمن اسلام مهلت ندهند که برادران انسان را مورد قتل و غارت قرار دهند. خدای متعال با ماست و باید جهاد را تعمیم دهیم.» (ر. ک. : رجبی، پایگاه اطلاع‌رسانی موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی) آیت‌الله العظمی امام خمینی (ره) نیز بر این امر بسیار تأکید داشتند و از نخستین روزهای آغاز قیام خود تا آخر دوران حیات‌شان، هیچ‌گاه از قضیه فلسطین چشم‌پوشی نکردند. در جایی ایشان می‌فرمایند: «هیچ امری را بر مسلمانان

